



### اعتصاب و اعتراض، اشکال تداوم انقلاب (زن، زندگی، آزادی) در شرایط جدید

صفحه ۷



### تصویب "قرارداد اجتماعی در شمال شرق سوریه" گامی به پیش

صفحه ۷



### زندانیان سیاسی: مشعلداران مبارزه انقلابی

صفحه ۳



### روز جهانی حقوق بشر و تشدید مبارزه برای کسب آن

صفحه ۳



### پیام حزب کمونیست ایران به مناسبت ۱۶ آذر روز دانشجو

صفحه ۸



### رژیم از ترس مرگ، از مردم انتقام می گیرد!

صفحه ۵



### اطلاعیه برگزاری پلنوم چهارم کمیته مرکزی کومه له

صفحه ۴

### در محکوم کردن جنایات جنگی ارتش ترکیه در جنوب و در غرب کردستان



حملات هوایی ارتش ترکیه به مناطق تحت کنترل نیروهای سوریه دموکراتیک همچنان با شدت ادامه دارد. یک مقام بیمارستان محلی در شهر قامشلی می گوید که دست کم شش غیرنظامی در جریان حملات هوایی روز دوشنبه ترکیه در این منطقه کشته شده اند. بر اساس گزارش دیده بان حقوق بشر سوریه، ارتش ترکیه در سال ۲۰۲۳ میلادی ۱۲۴ حمله هوایی در کردستان سوریه انجام داده که در جریان آن ۹۲ نفر کشته و صدها تن زخمی شده اند. در این حملات جنایتکارانه مدارس، بیمارستانها، نیروگاههای برق، مراکز آبرسانی، پمپ بنزینها، صنعت نفت و دیگر مراکز خدماتی هدف قرار گرفته اند. مظلوم عبدی، فرمانده نیروهای دموکراتیک سوریه روز سه شنبه در شبکه ایکس «هدف قرار دادن زیرساختها و وسایل زندگی غیرنظامیان» در شمال شرق سوریه توسط ترکیه را محکوم کرد. او می گوید:

«هدف قرار دادن مکرر زیرساختها و وسایل معیشت غیرنظامیان در شمال شرق سوریه برای سومین بار در این سال، ناشی از سیاست گرسنگی دادن و اشغال است که توسط دولت ترکیه برای هدف قرار دادن مردم ما و ثبات منطقه انجام و جنایات جنگی تلقی می شود.»

مظلوم عبدی می افزاید: «با وجود آمادگی مردم برای پذیرایی از سال جدید به امید برقراری صلح و ثبات، و با وجود تلاشهای مستمر ما برای دستیابی به ثبات، انکارا بر سیاستهای تهاجمی خود و صدور بحرانهای داخلی خود پافشاری می کند.»

در همین حال ارتش ترکیه حملات خود را در مناطق تحت کنترل حکومت اقلیم کردستان نیز تشدید کرده است و طی روزهای اخیر دهها بار این منطقه مورد حملات هوایی و زمینی قرار داده است. این در حالی است که بخشهای وسیعی از شمال اقلیم کردستان در اشغال دولت ترکیه است. این حملات که به بهانه وجود نیروهای پ ک کا در این منطقه صورت می گیرد، موجب مرگ و مجروح شدن شماری از مردم منطقه، نابود کردن محیط زیست و حیات وحش و کشتار دامهای مردم شده است.

آنچه که ارتش ترکیه در روزآوا و در اقلیم کردستان انجام میدهد، مصداق بارز یک جنایت جنگی تمام عیار است. اهدافی را که ارتش جنایتکار ترکیه بویژه در روزآوا انتخاب کرده است، نشان میدهد که هدف دولت ترکیه نابود کردن منابع و زیرساختهای اقتصادی، از بین بردن نهادهای مدنی، وادار کردن مردم به ترک منطقه

جنش روزآوا نه تنها با پیروزیهای شکوهمندش در برابر داعش و مقاومت شجاعانه اش در برابر فاشیسم اردوگانی، بلکه با ارزشهای انسانی هم که از آن به دفاع برخاسته است باید شناخته شود. در تجربه خود مدیریتی کردستان سوریه به همت زنان و مردان آزاده قوانینی در زمینه برابری زنان و مردان و دخالت مستقیم مردم در اداره جامعه، برابری حقوقی افراد متعلق به مذاهب و ملیتهای مختلف، تأمین آزادیهای سیاسی و اخیراً تصویب یک قانون اساسی پیشرو و مترقی وجود دارد که میتواند برای جنبشهای اعتراضی و حق طلبانه در خاورمیانه الهام بخش باشند.

در همین حال ارتش ترکیه حملات خود را در مناطق تحت کنترل حکومت اقلیم کردستان نیز تشدید کرده است و طی روزهای اخیر دهها بار این منطقه مورد حملات هوایی و زمینی قرار داده است. این در حالی است که بخشهای وسیعی از شمال اقلیم کردستان در اشغال دولت ترکیه است. این حملات که به بهانه وجود نیروهای پ ک کا در این منطقه صورت می گیرد، موجب مرگ و مجروح شدن شماری از مردم منطقه، نابود کردن محیط زیست و حیات وحش و کشتار دامهای مردم شده است.

آنچه که ارتش ترکیه در روزآوا و در اقلیم کردستان انجام میدهد، مصداق بارز یک جنایت جنگی تمام عیار است. اهدافی را که ارتش جنایتکار ترکیه بویژه در روزآوا انتخاب کرده است، نشان میدهد که هدف دولت ترکیه نابود کردن منابع و زیرساختهای اقتصادی، از بین بردن نهادهای مدنی، وادار کردن مردم به ترک منطقه

آنچه که ارتش ترکیه در روزآوا و در اقلیم کردستان انجام میدهد، مصداق بارز یک جنایت جنگی تمام عیار است. اهدافی را که ارتش جنایتکار ترکیه بویژه در روزآوا انتخاب کرده است، نشان میدهد که هدف دولت ترکیه نابود کردن منابع و زیرساختهای اقتصادی، از بین بردن نهادهای مدنی، وادار کردن مردم به ترک منطقه

### سخنی به مناسبت روز جهانی مهاجران

صفحه ۲





# سخنی به مناسبت روز جهانی مهاجران



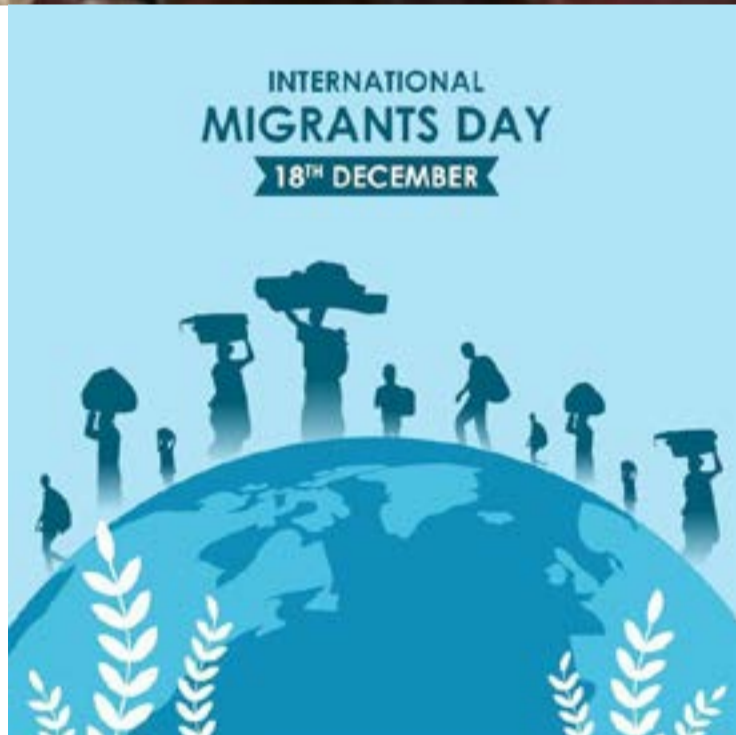
روز دوشنبه ۲۷ آذر ماه برابر با ۱۸ دسامبر روز جهانی مهاجران است. مجمع عمومی سازمان ملل متحد، در سال ۲۰۰۰، هیجدهم دسامبر را روز جهانی مهاجران نامید. علت تعیین این مناسبت افزایش تعداد مهاجران و رفتار اغلب بد و غیرانسانی جوامع میزبان با آن ها بود.

اما در آستانه فرارسیدن این روز خبر رسید که قایقی حامل ده ها مهاجر که قصد داشتند خود را به اروپا برسانند در سواحل لیبی واژگون شد و بیش از ۶۰ نفر از جمله شماری کودک جانباختند. سازمان بین المللی مهاجرت سازمان ملل می گوید تنها در سال جاری بیش از ۲۲۵۰۰ نفر جان خود را از دست داده اند. دریای مدیترانه همچنان یکی از خطرناک ترین مسیرهای مهاجرت در جهان است.

سران کشورهای سرمایه داری غربی مداوماً و به طرز ریاکارانه از میزان مهاجرانی که به کشورهایشان روی می آورند، می نالند و مدام قوانین ضد مهاجرت وضع میکنند. آنها مسببین برپایی جنگ های ویرانگر و فاجعه آوارگی، در خاورمیانه هستند. آنها هستند که به مسابقه تسلیحاتی دامن می زنند و در پناه این سیاست، میلیاردها دلار سلاح به حکومت های تحمیل شده به مردم منطقه، می فروشند. اتحادیه اروپا برای جلوگیری از ورود پناهجویان "راه حل هائی" را در پیش گرفته است که یکی از یکی ضد انسانی تر هستند.

اول، بازگرداندن مهاجرین به کشورهائی که از آنجا

آمده اند. بیش از ۹۰ درصد پناهجویان از مناطق جنگ زده در خاورمیانه و آفریقا می آیند. آنها در کشور خودشان هم آواره و بدون سرپناه شده اند. باز گرداندن آنها یعنی دوباره به کام مرگ فرستادنشان. آیا کشورهای پیشرفته سرمایه داری و از آن جمله دولت های اروپائی میتوانند مسئولیت خود را در قبال برپا کردن جنگ های مستقیم و با نیابتی در هیچ نقطه ای از جهان و از جمله در خاورمیانه و آفریقا که مسبب این آوارگی ها است انکار کنند؟ استعمارگران اروپائی تا توانستند ثروت های طبیعی آفریقا را غارت کردند و وقتی هم آنجا را ترک کردند، از خود ده ها آسیب دردناک اجتماعی و اختلافات قومی و قبیله ای و مذهبی به جا گذاشتند. تا توانستند از استثمار نیروی کار ارزان آنها در کشورهای اروپائی سرمایه داری انباشت کردند، اما دولت های امروزشان که بر ثروت و قدرت استعمارگران دوره گذشته تکیه زده اند، در قبال شرایط



فلاکتباری که بر زندگی این مردم تحمیل کرده اند، مسئولیتی نمی پذیرند. این در حالی است که هنوز هم سیر ثروت های مردم این قاره به سوی اروپا روان است. اگر حتی بپذیریم که پناهجویان آفریقا از فقر و فلاکت اقتصادی می گریزند و در جستجوی کار و زندگی بهتری هستند، باز سوال این است که آفریقا را چه کسانی غارت کردند و عقب مانده نگذاشتند و در دام گرسنگی و بیماری های هولناک رها کردند؟ آیا آنها هم اکنون هم به غارت و

زمینه های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی که طی سالها مبارزه طبقه کارگر به دولت ها تحمیل شده است، تعرض خواهد شد. این تعرض هم اکنون آغاز شده است. اکثریت مردم در کشورهای اروپائی و قیل از همه طبقه کارگر این کشورها، قربانیان بعدی این سیاست ها خواهند بود. دولت های اروپائی اگر در پیشبرد این سیاست موفق شوند، انسانیت را در خود این کشورها نیز قربانی خواهند کرد. سوم، بستن مرزها و محدود کردن عملیات نجات دریائی با این استدلال که این خدمات مشوق مهاجران تازه خواهد بود. اتحادیه اروپا بر طبق یک قرار توافق شده و رسمی تصمیم گرفته است که عملیات نجات پناهجویان را محدود کند. در ضد انسانی و جنایتکارانه بودن این استدلال و این سیاست تردیدی نیست. ناوگان های دریائی و هوائی اروپا مجهز به پیشرفته ترین تکنولوژی این عصر، قادر به کنترل

و جب به جب دریای مدیترانه هستند. آنها قادرند که هر قایقی را از نقطه حرکت تا رسیدن به مقصد دقیقاً رصد کنند و قبل از آنکه این قایق ها در خطر غرق شدن قرار بگیرند، به نجات آنها بشتابند. اما آنها آگاهانه این توانائی را برای نجات جان پناهجویان بکار نمی گیرند. حتی اگر انگیزه به شدت ناروای آنها را هم در محدود کردن عملیات نجات برای جلوگیری از ورود پناهجویان به اروپا بپذیریم، باز واقعیت این است که از این طریق جلو موج پناهجویانی را که از کام مرگ و فقر گریخته اند، نمیتوان گرفت. محدود کردن عملیات نجات نه تنها از موج مهاجرت نکاسته است بلکه تنها به افزایش چشمگیر مرگ مهاجران و پناهندگان دامن زده است.

باید با اتکا به افکار عمومی پیشرو و انسان دوست و نیروهای مبارز در کشورهای توسعه یافته سرمایه داری، دولت های غربی را ناچار کرد تا حقوق مهاجران و پناهجویان را محترم بشمارند. لازم است مبارزه برای به رسمیت شناختن حق سکونت و تأمین زندگی انسانی برای هر فرد به عنوان انسان با حقوق جهان شمول و همچون یک جمله برخورداری از حق سکونت در هر نقطه ای از جهان که مایل به آن باشد، گسترش یابد.

\*\*\*



## روز جهانی حقوق بشر و تشدید مبارزه برای کسب آن

روز دهم دسامبر، برابر با نوزدهم آذر، بر اساس تقویم سازمان ملل روز حقوق بشر می باشد. این مناسبت در شرایطی فرارسیده که دولت اسرائیل، با برخورداری از حمایت صددرصدی امپریالیسم آمریکا به کشتار گسترده مردم بی دفاع غزه ادامه می دهد.

درست یک روز قبل دولت آمریکا، که به طرز فریبکارانه و با تبلیغات دروغین خود را مدافع حقوق بشر جا میزند، جدیدترین قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد برای آتش بس فوری در نوار غزه، را وتو کرد. شورای امنیت سازمان ملل روز جمعه ۸ دسامبر (۱۷ آذر) به درخواست آنتونیو گوترش، دبیرکل آن سازمان، تشکیل جلسه داده بود تا پس از هفته ها درمورد آتش بس فوری رای گیری کند. گوترش روز چهارشنبه در نامه ای به شورای امنیت، به ماده ۹۹ منشور سازمان ملل متحد استناد کرد که به دبیرکل امکان می دهد «هر موضوعی را که به نظر او ممکن است حفظ صلح و امنیت بین المللی را تهدید کند به شورای امنیت ارجاع دهد». اقدام دولت آمریکا در شرایطی انجام گرفت که بنا به اخبار خبرگزاری ها تا تاریخ شنبه نهم دسامبر، برابر با ۱۸ آذر، ارتش اسرائیل موجب جانباختن بیش از ۱۷ هزار و چهارصد و هشتاد و هفت نفر شده که بیش از هفت هزار و هفتصد و بیست و نه تن آنان کودک بوده اند. بر اساس خبررسانی یونیسف از ابتدای تجاوز دولت اسرائیل به غزه یک میلیون کودک نیز آواره شده اند. این در حالی که جو بایدن، رئیس جمهور آمریکا، به طور روزانه و با ریاکاری تمام از مقامات اسرائیل می خواهد به طور کامل مواظب غیر نظامیان، بویژه کودکان، باشند.

در روز حقوق بشر نرگس محمدی فعال شجاع حقوق بشر و زندانی سیاسی مقاوم، طی نامه ای اعلام کرد که برای اعتراض به نقض فاحش

حقوق بشر در ایران و نقض حقوق شهروندی بهائیان و همراهی با اعتصاب غذای ۳ روزه دو بهائی هم بندش اعتصاب غذا میکند. او در پایان نامه نوشت: «منهم اعتصاب غذا می کنم تا با اعتصاب غذا در روز دریافت جایزه نوبل صلح و هفتادوپنجمین سالروز تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر، صدای اعتراض مردم تحت ظلم و سرکوب ایران توسط رژیم جمهوری اسلامی باشم».

با اینکه اکنون بسیاری از کشورهای جهان مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر را به رسمیت شناخته اند و حتی آنرا وارد قوانین اساسی خود نموده اند، اما کماکان این حقوق در اکثریت کشورها زیر پا گذاشته می شود. در این میان جمهوری اسلامی ایران رکورددار نقض حقوق بشر در سطح جهان است. مطابق اسناد و قطعنامه هائی که هر ساله در زمینه نقض حقوق بشر از سوی سازمان ملل متحد منتشر می شود، جمهوری اسلامی هر ساله در راس پایمال کنندگان سیستماتیک این حقوق قرار می گیرد. این در حالی است که ایران خود یکی از امضاء کنندگان این منشور است. با این همه، واقعیت این است که ابعاد و عمق جنایاتی که طی بیش از چهار دهه حاکمیت جمهوری اسلامی بر مردم ایران تحمیل شده، بسیار فراتر از اتهامات محدودی است که در شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد علیه رژیم اسلامی مطرح می شود.

زندان های رژیم اسلامی حاکم بر ایران نمونه بارز عمق دشمنی این حکومت با حقوق بشر می باشد. در زندان های رژیم انسانهای شریف بسیاری به خاطر اندیشه و مرام و عقیده شان در سياهچال ها محبوس و از کمترین حقوق انسانی برخوردارند و شب مرگ بر فراز سر بسیاری از آنان در گردش است. شکنجه در زندان ها و شلاق زدن انسان ها و اعدام در ملاء عمومی توجیه کند.

\*\*\*

## زندانیان سیاسی: مشعلداران مبارزه انقلابی

جمهوری اسلامی برای بقای خود و به امید بازگرداندن وحشت و ترس در جامعه بر میزبان فشارهای ضد انسانی بر زندانیان سیاسی افزوده است.

ارژنگ مرتضوی دانشجوی دانشگاه خوارزمی و یکی از بازداشت شدگان جریان انقلاب «زن، زندگی، آزادی» روز سه شنبه ۵ دی ماه از سوی شعبه اول دادگاه استان البرز به یک سال حبس تعزیری، منع عضویت و استفاده از شبکه های اجتماعی و ممنوعیت خروج از کشور به مدت دو سال محکوم شد. روز دوشنبه ۴ دی ماه ۱۴۰۲، به منزل یک شهروند به نام «محمد جعفر محمدی» اهل شهر سنندج، پدر دو تن از جوانان بازداشت شده در جریان انقلاب زن، زندگی، آزادی، یورش برده، با اعمال خشونت شدید نامبرده را بازداشت کرده و به مکانی نامعلوم انتقال داده اند. بیان فرج الهی، فعال مدنی اهل سنندج روز دوشنبه ۴ دی ماه ۱۴۰۲، از سوی شعبه اول دادگاه انقلاب رژیم در سنندج احضار شد. دادگاه انقلاب رژیم در تهران یازده فعال سیاسی و مدنی را روز دوشنبه ۴ دی ماه محاکمه کرد. روز دوشنبه ۴ دی ماه ۱۴۰۲، «علی لاله دانی»، زندانی سیاسی که چهار سال است در زندان همدان به سر می برد، توسط شعبه ۱۱ دادگاه تجدیدنظر رژیم در همدان به ۱۶ سال حبس محکوم شد. «امیر شیبانی زاوه»، فعال مدنی و سیاسی ساکن مشهد روز دوشنبه ۴ دی ماه ۱۴۰۲ از سوی دادگاه انقلاب رژیم به حبس و محرومیت اجتماعی محکوم شد. روز شنبه ۲ دیماه ۱۴۰۲، احضاریه ای جهت رسیدگی به اتهامات «اغوا یا تحریک مردم به جنگ و کشتار با یکدیگر به قصد برهم زدن امنیت کشور، تبلیغ علیه جمهوری اسلامی و نشر اکاذیب برای ۱۹ دیماه به مسعود قلندری ارسال شد. یاسر رحمانی راد پزشک آزادیخواه روز شنبه ۲ دی ماه با دریافت ابلاغیه ای جهت ارائه دفاعیات درباره اتهام «تبلیغ علیه نظام» در رومشکان احضار شد. علی معزی، که در ارتباط با جنبش انقلابی ژینا بازداشت شده و دوران محکومیت تحمیلی شش سال و سه ماه حبس خود را در زندان اوین سپری می کند، علیرغم حال نامساعد جسمانی، از رسیدگی مناسب پزشکی محروم مانده است. اول دیماه «سیامک ابراهیمی» و «شاهرخ احمدی»، کنشگران مدنی ساکن تهران اعلام کردند که برای اجرای احکام ناعادلانه حبس راهی زندان اوین می شوند. اول دیماه «شاهو (ایوب) برهم» و «احسان محمدی» اهل اشنویه و از بازداشت شدگان خیزش انقلابی زن، زندگی، آزادی توسط شعبه یک دادگاه کیفری ویژه نوجوانان استان آذربایجان غربی به پرداخت جزای نقدی محکوم شدند.

افزایش فشار بر زندانیان سیاسی، که به امید بازگرداندن و تشدید رعب و وحشت در جامعه انجام گرفته، با

مبارزات و اعتصابات وسیع از جانب جنبش های کارگری، زنان، دادخواهان، بازنشستگان، جوانان و سایر جنبش های اجتماعی و نیز عکس العمل های مبارزاتی تعدادی از زندانیان سیاسی جواب رزمنده گرفته است. سطح و کیفیت مبارزات و اعتصابات که به طور روزانه و در ابعاد وسیع جریان دارد به قدری به لحاظ اجتماعی و سیاسی نیرومند است که رژیم تاکنون جرات نکرده به طور مستقیم به جنگ آنها برود. بر بستر این اوضاع مقاومت های زندانیان سیاسی اسیر در زندان ها نیز رونق گرفته و ارتقا یافته است:

مقاومت جانانه در مقابل پذیرش خواست های جلادان برای تحمیل اظهار ندامت در برابر دوربین های تلویزیونی، نپوشیدن لباس زندانی هنگام اعزام به مراکز پزشکی خارج از زندان، عدم استفاده از حجاب اسلامی به هنگام جلب به دادگاه، نوشتن و پخش نامه های اعتراضی علیه دستگاه فاسد قضائیه و اداره زندان ها، نمایاندن شادی در زندان به هنگام اهدای جوایز بین المللی به مبارزین و خانواده های آنان و سرانجام تحصن و نظایر آنها. لازم است در کنار آنها به حمایت های علنی از زندانیان سیاسی و مطرح ساختن ضرورت آزادی آنان توسط تشکل های کارگری و فعالین آنها، سازمان های زنان مبارز و سایر فعالین و جنبش های اجتماعی اشاره کرد. مجموع واقعیات مذکور رژیم را در رسیدن به هدفش ناکام گذاشته است.

اساساً حکومت های دیکتاتوری در دوره رکود اقتصادی و ضعف سیاسی همیشه متکی به زندان، شکنجه و اعدام بوده اند. این امر در مورد جمهوری اسلامی، که در کلافی پیچیده از بحران ها به دام افتاده بیشتر صدق می کند. این رژیم جز بحران های متعدد سیاسی و مشروعیتی و بویژه اقتصادی از امکان جواب دادن به نیازهای شهروندان نیز ناکام بوده هیچ، زندگی و منزلت سیاسی آنها را بیشتر زیر پا گذاشته است. اما مبارزات گسترده ای که مورد اشاره قرار گرفتند در دوره فعلی تناسب قوا بین مردم و رژیم را به شدت تحت تاثیر قرار داده و آنرا به طرز آشکاری تغییر داده است. در چنین شرایطی لازم و مفید است که در هر اکسیون و تحرک مبارزاتی شعار آزادی بی قید و شرط زندانیان سیاسی، این مشعلداران مبارزه انقلابی، را در کنار سایر مطالبات تکرار کرد.

\*\*\*





# اطلاعیه برگزاری پلنوم چهارم کمیته مرکزی کومه‌له

باطلاع میرساند که چهارمین پلنوم کمیته مرکزی کومه‌له منتخب کنگره هیجدهم در روزهای شنبه و یکشنبه ۱۷ و ۱۸ آذرماه ۱۴۰۲ برابر با ۹ و ۱۰ دسامبر ۲۰۲۳، با شرکت اعضای کمیته مرکزی کومه‌له و حضور اعضای کمیته مرکزی موقت حزب کمونیست ایران و اعضای کمیته خارج از کشور حزب و جمعی از کادرهای حزبی برگزار گردید.

پلنوم با سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت به یاد جانباختگان انقلاب «زن، زندگی، آزادی» و همه جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم، کار خود را آغاز کرد.

دستور جلسات این پلنوم عبارت بودند از:

گزارش سیاسی و تشکیلاتی کمیته رهبری به پلنوم، شرایط جدید فعالیت ما در کردستان عراق، چشم انداز و راه کارها، تقسیم کار و سازماندهی داخلی کمیته مرکزی کومه‌له.

گزارش سیاسی کمیته رهبری به پلنوم ابتدا نگاهی داشت به مهمترین روندهای سیاسی و اجتماعی جهان امروز: بحران اقتصادی جهانی پساکرونا، تداوم جنگ اوکراین و بی سابقه ترین سطح گرانی و تورم در جهان به عنوان یکی از بازتابهای کرونا و جنگ، بلوک بندیهای اقتصادی و سیاسی دولتها در جهان چند قطبی امروز، تقویت گرایشات راست در بعضی از جوامع در اروپا و آمریکای جنوبی، جنگ ویرانگر در فلسطین، زمینه و علل برپایی آن. از جمله عناوین اصلی گزارش اوضاع جهانی بودند.

گزارش کمیته رهبری در بحث پیرامون اوضاع منطقه بر جنگ در غزه، تداوم جنایات دولت ترکیه در کردستان سوریه (روژآوا)، اوضاع سیاسی در عراق متمرکز بود.

در مورد این دوره درگیری بین حماس و دولت اسرائیل، گزارش تاکید داشت که مردم فلسطین از یک سو توسط دولت اشغالگر، شوونیست و تا دندان مسلح اسرائیل با پشتیبانی دولت آمریکا به خاک و خون کشیده میشوند و از سوی دیگر توسط نیروهای مرتجع و فاسدی نمایندگان می شوند، که خود بخشی از

تراژدی حاکم بر این مردم هستند. اما اینکه حماس این دوره از درگیری ها را با ارتکاب جنایت آغاز کرد و اینکه تشکیلات خودگردان فلسطین در ساحل غربی رود اردن یک دولت فاسد است، یا اینکه جمهوری اسلامی مدافع جریانات ارتجاعی در منطقه است و اینکه متأسفانه همه اینها به نام دفاع از مردم فلسطین صورت می گیرد، ذره ای از حقانیت مقاومت و مبارزه مردم فلسطین برای بازگشت به سرزمینهایی که به زور از آن رانده شده اند و از ضرورت بهرمندی این مردم از حق تعیین سرنوشت خود نمی کاهد. گزارش سیاسی تاکید داشت که در این شرایط دشوار مردم فلسطینی ساکن غزه بیش از همیشه به حمایت و همبستگی مردم آزادیخواه و انسان دوست در سراسر جهان نیاز دارند. این همبستگی میتواند به نیروی مادی موثری برای متوقف کردن جنایات ارتش اسرائیل در غزه و ساحل غربی تبدیل شود. ضروری است که آتش بس و پایان دادن به کشتار جمعی مردم فلسطین در اولویت تلاشهای مردم مترقی و صلح طلب در جهان باشد.

حملات هوایی وحشیانه ارتش ترکیه به مناطق تحت کنترل نیروهای سوریه دموکراتیک، مصداق بارز جنایت جنگی تمام عیار است. اهدافی را که ارتش جنایتکار ترکیه انتخاب کرده است نشان میدهد که هدف دولت ترکیه همزمان با کشتار مردم بی دفاع، نابود کردن منابع و زیرساختهای اقتصادی، از بین بردن نهادهای مدنی، وادار کردن مردم به ترک منطقه و نهایتاً به شکست کشاندن حاکمیت خودمدیریتی روژآوا است. در شرایطی که دولت ترکیه مستقیماً آزادی و حق این مردم را اداره امور زندگی خویش را مورد حمله قرار داده است، در شرایطی که دولت آمریکا برای تامین منافع خود همراهی با دولت ترکیه را بر حمایت از مردم روژآوا ترجیح میدهد، در شرایطی که همه دولتهای منطقه و از آن جمله جمهوری اسلامی و رژیم بشار اسد نیز با توطئه گریهانشان عملاً همگام با دولت ترکیه عمل می کنند، در چنین شرایطی تنها حامیان واقعی جنبش روژآوا، مردم مبارز در منطقه و آزادیخواهان جهان هستند. حمایت و پشتیبانی همه جانبه از مردم آزادیخواه و

حق طلبی که اینچنین مورد حمله نیروهای فاشیست دولت ترکیه و مزدوران آنها قرار گرفته اند، در همه سطوح یک نیاز عاجل است.

در مورد وضعیت سیاسی کنونی در ایران گزارش کمیته رهبری کومه‌له به پلنوم بر حساس بودن و خطیر بودن شرایطی تاکید داشت که جامعه ایران و رژیم جمهوری اسلامی اکنون در آن قرار دارد. جمهوری اسلامی در همه زمینه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، ایدئولوژیک و در سیاست خارجی با بحرانهای لاینحلی دست به گریبان است و در هیچ زمینه ای هم حرفی برای گفتن برایش باقی نمانده است. در درون حکومت تصفیه ها و کنار گذاشتن ها به آخرین حلقه ها رسیده است و تصفیه بیش از این فقط می تواند با یک کودتا صورت بگیرد. در سیاست خارجی غیرغم ادعای قدرتمندی و استقلال به عقب نشینی های آشکاری دست زده است. به عنوان مثال، در جنگ غزه از خود در برابر آمریکا و اسرائیل برائت می طلبد، خامنه ای با ریاکاری تمام می گوید که گویا هر گز هدف جمهوری اسلامی نابودی اسرائیل نبوده است! با عربستان سعودی از موضع ضعف سازش می کند، خود را قادر به پیگیری خواسته هایش از آب هیرمند در برابر طالبان نمی بیند. در مسئله اشغال کریدور مرزی ارمنستان و ایران توسط آذربایجان سکوت اختیار کرده است و بسیاری نشانه های دیگر.

در چنین شرایطی رژیم رویارویی خود با اکثریت قاطع مردم ایران را مفروض گرفته است، از یک طرف سیاست سرکوب را تشدید کرده است و از سوی دیگر به دنبال حامی پروری و راضی نگه داشتن در بهترین حالت ده درصد اطرافیان خود است. تصادفی نیست اگر می بینیم به تخته پاره حجاب اجباری برای نشان دادن اقتدار و هویت اسلامی خود متوسل می شود.

تداوم انقلاب ژینا در شکل مقاومت توده ای در برابر حجاب اجباری و در برابر روش زندگی مطلوب حکومت اسلامی، تغییرات عمیقی را در کل فرهنگ این جامعه در تقابل با فرهنگ حاکم بوجود آورده است و

این انقلاب در اشکال نوین خود همچنان ادامه دارد. گزارش کمیته رهبری تاکید داشت: تنها کسانی که به پیروزی زودرس این انقلاب متوهم بودند و یا گسترش و تعمیق آن را به نفع خود نمی دیدند، با فروکش کردن شکل تظاهرات خیابانی، شکست انقلاب را جار می زنند. انقلاب ژینا در واقع تداوم خیزش انقلابی ۱۳۹۶ بود که جرقه آن اینبار از کردستان انقلابی زده شد. و آن زمانی بود که اکثریت مردم از توسل به انتخابات و صندوق رای قطع امید کردند. مقاومت امروز زنان ایران در دفاع از حق آزاد پویشی، سیاست سرکوب تمام عیار استبداد دینی را با ناکامی های جدی روبرو ساخته است.

گزارش سیاسی بر این نکته تاکید داشت که عمق بحران سیاسی کنونی جامعه ایران به گونه ای است که می تواند به فروپاشی یا سرنگونی جمهوری اسلامی منجر شود. محتمل بودن این روند، نگرانی بخش هایی از اپوزیسیون راست خارج کشور را دامن زده و آن ها را به صرافت انداخته است تا با بخش هایی از اپوزیسیون درونی رژیم وارد بده بستان های سیاسی شوند. این تلاش ها می تواند برای جنبش انقلابی نگران کننده باشد. اما در صورتی که نیروهای آگاه و مسئول چپ سیاست درستی در موقعیت حاضر در پیش بگیرند، بحران کنونی می تواند به فرصتی تاریخی برای تقویت نیروهای چپ و سوسیالیست و تبدیل آن ها به نیروی توده ای و اثرگذار مبدل شود.

در مورد وضعیت در کردستان ایران، گزارش سیاسی بر این واقعیت تاکید نمود که علیرغم فشارها و دستگیرها و تهدیدهای رژیم، مبارزات مردمی در اشکال مدنی و توده ای ادامه دارد و فعالین این عرصه مدام آزموده تر و با تجربه تر می شوند. از آن جمله می توان به فعالیتهای مدنی در زمینه های دادخواهی خانواده های جانباختگان که از پشتیبانی وسیع مردمی برخوردار است، متشکل شدن در انجمن های صنفی کارگران و معلمان، متشکل شدن برای دفاع از محیط زیست، مبارزه برای گسترش آموزش به زبان مادری، فعالیتهای هنری سازمانیافته در زمینه های موسیقی، تئاتر و ادبیات،

اشاره کرد. گزارش تاکید نمود که کومه‌له به گرمی از این فعالیتهای پشتیبانی می کند و فعالین پیشرو و مردم مبارز کردستان را به شرکت در این فعالیتهای تقویت آنها فرا می خواند.

شرکت فعال رفقای شرکت کننده در پلنوم، بحث های این گزارش را تدقیق و غنی تر ساخت و کلیات آنرا به عنوان ارزیابی و خط مشی سیاسی ما در دوره پیش رو مورد تأیید قرار داد. جنبه های مختلف این گزارش در روزهای آینده از طریق رسانه های جمعی کومه‌له، توسط رفقای شرکت کننده در پلنوم به تدریج تشریح خواهند شد.

در مبحث گزارش تشکیلاتی، جنبه های مختلف فعالیتهای تشکیلاتی کومه‌له مورد بحث و بررسی قرار گرفتند. کمبودها و نقاط ضعف مشخص و راههای برطرف کردن آنها نشان داده شدند.

دومین دستور جلسه پلنوم «شرایط جدید فعالیت ما در کردستان عراق، چشم انداز و راه کارها» بود. در شرایطی که جمهوری اسلامی حکومت اقلیم کردستان را برای محدود کردن فعالیتهای احزاب اپوزسیون در این منطقه تحت فشار گذاشته است، پلنوم خطوط کلی سیاست کومه‌له را چنین تعیین کرد:

اول، بر ضرورت و اهمیت تداوم فعالیت سیاسی کومه‌له در اقلیم کردستان تاکید نمود. اگر این فعالیتهای در کشورهای اروپایی و کانادا و بسیاری کشورهای دیگر جهان امکان پذیر است، این ضرورت و امکان در این منطقه به دلایل مختلف قاعدتاً دوجندان است. مردم در کردستان ایران و عراق به عنوان دو بخش از یک ملت، هم سرنوشت هستند. در پیروزیها و ناکامی های همدیگر سهیم اند. رابطه اجتماعی وسیعی بین مردم در دو سوی مرز وجود دارد. دهها هزار کارگر سالیانه برای کار از کردستان ایران به اقلیم کردستان می آیند. هزاران کولبر زحمتکش از طریق مبادله کالا بین دو سوی مرز امرار معاش می کنند. مراودات اجتماعی گسترده ای به طور طبیعی بین هنرمندان و روشنفکران دو بخش کردستان شکل گرفته و تا حدود زیادی نهادینه شده است. بعلاوه

طی ۴۰ سال گذشته این اپوزسیون در دامن پر مهر مردم کردستان عراق به فعالیتهای خود ادامه داده است و از پشتیبانی مردمی برخوردار بوده است و بسیاری علائق و پیوستگی های دیگر.

دوم، کومه‌له هرگز نخواسته است که فعالیت مسلحانه خود را برای مردم کردستان عراق هزینه بردار کند و سالهاست که مرزهای دو بخش کردستان را برای فعالیت مسلحانه بر علیه جمهوری اسلامی به کار نگرفته است. این سیاست هم منطبق بوده است بر جهت گیری سیاسی ما در کردستان ایران و در اولویت قراردادن فعالیتهای روشنگرانه، تشکیلاتی، مدنی و توده ای و هم رعایت مصالح مردم کردستان عراق که بهانه ای بدست جمهوری اسلامی ندهد تا امنیت و معیشت مردم را به گروگان بگیرد. کومه‌له این سیاست را همچنان ادامه خواهد داد.

سوم، این سیاست از طریق گفتگو، هماهنگی و توافق با حکومت اقلیم کردستان و در چهارچوب راه کارهایی عملی دنبال می شود، بطوریکه که اولاً، مغایر با حفظ اعتبار سیاسی و پرنسیپهای ما نباشند و ثانیاً به کاهش فشارهای جمهوری اسلامی بر حکومت اقلیم کم کند.

چهارم، کومه‌له تلاش می کند که حداکثر همکاری و هماهنگی را در ارتباط با این مسئله با بقیه نیروهای اپوزسیون که موقعیت مشابهی در اقلیم کردستان دارند، به عمل آورد، بطوریکه حتی المقدور سیاست مشترکی در این زمینه در پیش گرفته شود.

پلنوم پس از انجام تقسیم کار درونی کمیته مرکزی و رسیدگی به پاره ایی امور حزبی پس از دو روز جلسات فشرده به کار خود پایان داد.

کمیته مرکزی کومه‌له

(سازمان کردستان حزب کمونیست ایران)

۲۱ آذر ۱۴۰۲



## رژیم از ترس مرگ، از مردم انتقام می گیرد!

ارزیابی مشترک حزب کمونیست ایران سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

**اول -** حاکمان جمهوری اسلامی در شرایط ورشکستگی اقتصادی و بحران فروپاشی سیاسی و زیر فشار شکست ها در سیاست خارجی، از فرصت خاصی که فضای جهانی زیر سایه جنایات ارتش اسرائیل ایجاد کرده است، برای زهر چشم گرفتن از معترضان و به عقب نشینی واداشتن مردم کارد به استخوان رسیده و انتقام گیری از آنان، موج اعدام های بی مهار و دستگیری های گسترده به راه انداخته اند. از این روست که در هفته های اخیر ماشین اعدام مبارزین سیاسی با سرعت بیشتری به حرکت درآمده است. حکم اعدام میلاد زهرهوند، شهروند ۲۰ساله‌ی ملایری که در جریان اعتراضات سال گذشته دستگیر شده بود، در پنج‌شنبه ۲ آذرماه ۱۴۰۲ به اجرا درآمد. هانی آلبوشهبازی ۳۲ ساله که ۱۲ آذرماه ۱۳۹۸ در شادگان بازداشت شده بود، روز سه‌شنبه ۷ آذرماه ۱۴۰۲ اعدام شد. کامران رضایی دیگر معترض اعتراضات آبان ۹۸، دهم آذرماه ۱۴۰۲ اعدام شد. صابر مطلق از زندانیان دهه ۶۰، با آن که همان زمان دردادگاه تبرئه شده بود و در خارج از کشور زندگی می‌کرد و مدتی پیش به ایران بازگشت، دهم آذر ۱۴۰۲ به دست شکنجه‌گران جمهوری اسلامی اعدام گشت. خسرو بشارت، انور خضری، کامران شیخه، داود عبداللهی، فرهاد سلیمی، ایوب کریمی و قاسم آبسته زندانیان عقیدتی‌گردد که در سال ۱۳۸۸ بازداشت شده‌اند، به اعدام محکوم شده‌اند. حال طی روزهای گذشته، ایوب کریمی و قاسم آبسته پس از ۱۴ سال حبس اعدام شدند، جان پنج نفر باقی مانده در این پرونده به شدت در خطر است. بر پایه اخبار و اطلاعات تاکنونی، طی ۱۱ ماه گذشته، ۷۰۷ نفر در ایران اعدام شده‌اند. این اعدام‌های ددمنشانه بیانگر سیاست انتقام‌گیری حاکمیت از مردمی است که بنیان‌های حکومت اسلامی را لرزاند و ناقوس مرگ این استبداد بیرحم دینی تا مغز استخوان فاسد را به صدا درآورده‌اند.

**دوم -** هم‌زمان با موج اعدام‌های ددمنشانه،

فشار بر فعالان مدنی و زندانیان سیاسی نیز روز به روز شدیدتر می‌شود. دستگیری توماج صالحی، تنها چند روز پس از آزادی به قید وثیقه، یکی از این نمونه‌هاست. زینب جلالیان، تنها زن زندانی سیاسی محکوم به حبس ابد که شانزدهمین سال حبس خود را در زندان مرکزی یزد می‌گذراند، طی هفته‌های گذشته برای چندمین بار در طول مدت حبس خود، مورد بازجویی تیمی سه نفره از وزارت اطلاعات قرار گرفته است. ماموران اطلاعات به زینب جلالیان اعلام کرده‌اند که تنها راه دسترسی وی به خدمات پزشکی و درمانی و حتی آزادی، نگارش توبه‌نامه و ابراز ندامت است، رویه‌ای که زینب جلالیان، بارها رد و بر مواضع خود تأکید داشته است. فشار بر خانواده‌های دادخواه نیز روز به روز شدیدتر می‌شود. محمد (کوروش) وزیری، همسر شیرین علیزاده، از جانب‌اختگان جنبش «زن، زندگی، آزادی»، توسط شعبه اول دادگاه انقلاب اصفهان به دو ماه حبس محکوم شد. ماشالله کرمی پدر شهید محمدمهدی کرمی که در روز ۳۱ مردادماه دستگیر شده بود، پس از ۳ ماه بلاتکلیفی و نگهداری در قرنطینه ندامتگاه مرکزی کرج، هم‌اکنون در بند ۱۵ زندان رجایی‌شهر زندانی است و برای آزادی او، قرار وثیقه هفت میلیارد تومانی صادر شده است.

**سوم -** بر متن سیاست‌های سرکوبگرانه حاکمیت اسلامی، تلاش برای باز پس‌گیری دستاوردهای جنبش «زن، زندگی، آزادی» در زمینه انقلاب فرهنگی و کسب حق آزادی‌پوشی، شکل آشکارتری به خود گرفته است. حضور حجاب بان‌ها در مراکز گوناگون، ایجاد تونل وحشت در متروها، توقیف اتوموبیل‌ها، مسدود کردن شماره حساب‌ها، ارسال پیامک‌ها، اخراج استادان و دانشجویانی که به مسئله حجاب بی‌اعتنایی می‌کنند، همه و همه سیاست‌هایی است که جامعه با آن دست و پنجه نرم می‌کند. سخنان وزیر کشور که این اقدامات به صورت خودجوش از سوی «مردم حزب الهی» انجام می‌گیرد با افشای دستورالعمل شخص

وزیر، نشان از دورویی مرسوم حاکمان جمهوری اسلامی دارد. این اقدامات سازماندهی شده توسط نهادهای امنیتی و انتظامی و وزارت کشور در حالی انجام می‌گیرد که هنوز لایحه «حجاب و عفاف» به تصویب نرسیده است. آنچه از این بی‌قانونی حتی بر اساس قانون‌های کنونی جمهوری اسلامی می‌توان نتیجه گرفت این است که با یک حکومت نظامی اعلام نشده و بسیار خشن روبرو هستیم که برای به عقب نشانیدن جنبش مردم و بازپس‌گیری دستاوردهای انقلاب زینا از هیچ اقدام ردیانه ای رویگردان نیست. این اقدامات رژیم بیانگر قدرت جنبش مردمی است که با مقاومت خود سیاست سرکوب تمام‌عیار استبداد دینی را با ناکامی‌های جدی روبرو ساخته است.

**چهارم -** تعرض به دستاوردهای انقلاب مردمی زینا بر متن ورشکستگی و فروپاشی اقتصادی، حاکمیت را به اتخاذ سیاست ریاضتی و دستبرد به دستمزد و حقوق مردم نیز کشانده است. افزایش سن بازنشستگی یکی از این اقدامات است. قانون کار و بیمه امری ناشناخته برای فقه اسلامی است و حکومت اسلامی قانون کار را به صورت اضطرار و زیر فشار جنبش کارگری در سال ۱۳۶۹ پذیرفت و هیچ‌گاه به آن اعتقادی نداشته و ندارد. خمینی نیز به ناچار به قانون کار بر پایه «مصلحت نظام» و به صورت موقت تن داد. درست به همین دلیل در تمامی این سال‌ها و توسط تمامی دولت‌های تحت امر ولی فقیه، تلاش شده همین قانون کار نیم بند را هم به تدریج پس بگیرند. حاکمان اسلامی چون به این قانون کار و بیمه بازنشستگی که آنها را مغایر با شرع می‌دانستند، اعتقاد نداشتند، از همان ابتدا، سهم خود از بیمه را پرداخت نکرده‌اند و حتی وقتی سهم کارفرما را نیز دولت بر عهده گرفته، عاقدانه از پرداخت سهم تقبل شده‌شان خالی کرده است. بدین ترتیب دولت و کارفرمایان سهم خودشان را پرداخت نکرده‌اند و از این طریق خسارت بالایی به بیمه‌گهان وارد آورده‌اند. از این رو

تصمیم مجلس و دولت با افزایش سن بازنشستگی، با واکنش شدید و گسترده کارگران و حتی تشکل‌های کارگری زرد و حکومتی روبرو شده و فشار سیاسی سنگینی بر حاکمیت وارد آورده است. اعتراض به افزایش سن بازنشستگی بر متن ورشکستگی اکثریت قریب به اتفاق صندوق‌های بازنشستگی و هم‌سرنوشت شدن شاغلان و بازنشستگان، زمینه‌های رشد همگرایی و همبستگی میان شاغلان معترض و بازنشستگان کارد به استخوان رسیده را افزایش داده است.

**پنجم -** لایحه بودجه سال ۱۴۰۳ با سیاست شوک‌تراپی مالیاتی، مثل یک بمب ساعتی است که حاکمیت در جامعه کار گذاشته است. حالا دولت در نتیجه تحریم‌ها و محدود شدن فروش نفت به مالیات‌گیری روی آورده است. در واقع در کشور دو اقتصاد وجود دارد. یک اقتصاد «ولایی» است که بوسیله سپاه پاسداران اداره می‌شود و سرش به ولی فقیه وصل است، ۶۰ درصد امکانات اقتصادی کشور را در اختیار دارد و هیچ‌گرازشی به مجلس و دولت نمی‌دهند و مالیات هم نمی‌پردازند. بخش دوم اقتصادی است که در اختیار دولت است و با مردم سروکار دارد. در این بخش از اقتصاد، دولت، دستبرد به جیب مردم را با سیاست بودجه ریاضتی در پیش گرفته است. این امر فشار انفجاری بر طبقات مزد و حقوق‌بگیر وارد خواهد آورد. دولت به جای تقسیم پول از بالا به پائین، به پمپاژ پول از پائین به بالا مبادرت ورزیده است. مالیات‌گیری از ثروتمندان به دلیل یک حسابداری عقب مانده، امکان‌ناپذیر است. مالیات‌گیری از اقتصاد ولایی نیز کفر ابلیس است. پس راحت‌ترین راه، مالیات‌گیری غیرمستقیم از مردم است. هم مالیات بر ارزش افزوده به شدت افزایش یافته و هم مالیات از کارمندان، کارکنان، کارگران و حقوق‌بگیران به عنوان راحت‌ترین راه حصول مالیات، در دستور قرار گرفته است. سیاست حمله به جیب‌های خالی مردم در حالی صورت می‌گیرد که بنا به اقرار مسئولان رژیم در

سال ۱۴۰۲ حدود ۳۰ درصد جمعیت کشور یعنی ۲۶ میلیون نفر زیر خط فقر زندگی می‌کنند و ۲۷ درصد نیز در مرز خط فقر قرار دارند. یعنی بیش از نیمی از مردم در سایه فقر زندگی می‌کنند. حال این جمعیت بشدت فقیر باید هزینه‌های نهادها انگلی حاکمیت دینی را پردازند.

**ششم -** بالا بردن سن بازنشستگی و تشدید فشار مالیاتی بر مردم بر متن شورش گسترده و توده‌ای در عرصه فرهنگی، زمینه‌های بسیار قوی شورش‌های مطالباتی و طبقاتی را نیز فراهم می‌آورد. در این شرایط و بر متن رویارویی‌های فرهنگی، حاکمیت با سیاست خود در زمینه بازنشستگی و مالیات ستانی، رویارویی‌های معیشتی و طبقاتی را بالا جبار به شکل برجسته‌ای دامن می‌زند. این سیاست‌ها که از سر ناچاری و بن بست رژیم اتخاذ شده‌اند، شوک‌پزری را به جامعه وارد می‌آورد. حتی بخش‌هایی از حقوق‌بگیران که در ادارات دولتی یا نهادهای دیگر مشغول به کار هستند را نیز به شدت علیه حاکمیت خواهد شوراند. بنابراین در شرایطی که پیکارتوده‌ای زنان به شکل نافرمانی مدنی در اوج خود قرار دارد این وظیفه نیروهای چپ است که بر روی پیکارهای طبقاتی تمرکز بیشتری داشته باشند.

عمق بحران سیاسی کنونی جامعه ایران به گونه‌ای است که می‌تواند به فروپاشی یا سرنگونی جمهوری اسلامی منجر شود. محتمل بودن این روند، نگرانی بخش‌هایی از اپوزیسیون راست را دامن زده و بر متن رسوائی را به صرافت انداخته تا با بخش‌هایی از اپوزیسیون درونی رژیم وارد بدهستان‌های سیاسی شوند. این تلاش‌ها می‌تواند برای جنبش انقلابی‌نگران کننده باشد. اما در صورتی که نیروهای آگاه و مسئول چپ سیاست درستی در موقعیت حاضر در پیش بگیرند بحران کنونی می‌تواند به فرصتی تاریخی برای تقویت نیروهای چپ و تبدیل آن‌ها به نیروی توده‌ای و اثرگذار مبدل شود. هواداران سوسیالیسم که به سازمانیابی مستقل

کارگران ارج می‌نهند و تشکل‌های صنفی و طبقاتی تحت هر نامی چه سندیکا، اتحادیه، انجمن یا مجمع، شورا ... را مستقل از احزاب سیاسی و دولت‌ها می‌خواهند، به تشکل‌های مستقل زنان احترام می‌گذارند و مبارزه درخشان و پیشگامی زنان برای برابری حقوقی زنان و مردان از همین امروز را باور دارند و آن را به فرادهای دور حواله نمی‌دهند، حق مردم در تغییر و تاسیس نظام سیاسی بر پایه آرای همگانی، مستقیم و مخفی تک‌تک آحاد مردم را به رسمیت می‌شناسند، به حق تعیین سرنوشت ملیت‌های تحت ستم و به ویژه کردستان و بلوچستان که در یک سال گذشته با تمام نیرو در جنبش زینا نقش آفرینی کرده‌اند را به رسمیت می‌شناسند و از اتحاد داوطلبانه ملیت‌های کشور دفاع می‌کنند، باید روی سازماندهی کارگران، زنان، جوانان، تهیدستان محلات و نیروهای ملیت‌های تحت ستم تمرکز ویژه‌ای داشته باشند و با شعارهایی که بازتاب مطالبات واقعی توده‌های مردم است به بسیج بیشترین نیرو همت گمارند. تردیدی نیست که چپ آگاه و هوادار سوسیالیسم در یک بزنگاه تاریخی قرار دارد. وحشت‌آپوزیسیون فوق‌راست بویژه سلطنت از چپ بی‌جهت این‌گونه برانگیخته نشده است. آنها دشمنان طبقاتی خود را به خوبی می‌شناسند. چپ رادیکال و انقلابی وظیفه دارد که در جریان سرنگوبندی توده‌ای نقش ویژه‌ای بر عهده بگیرد. این فرصت تاریخی را نباید از دست داد.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی  
پیروز باد انقلاب مردم ایران  
زنده باد آزادی، دموکراسی و سوسیالیسم  
سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)  
حزب کمونیست ایران  
سه‌شنبه ۱۴ آذر ۱۴۰۲ برابر با ۵ دسامبر ۲۰۲۳



# هراس جمهوری اسلامی از شادی مردم

ارزیابی مشترک حزب کمونیست ایران سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

**اول -** رژیم اسلامی جشن و شادی مردم را تیشه به ریشه خود می‌پندارد و با چهره خندان مردم سر سازگاری ندارد. جمهوری اسلامی از خمودگی و یاس و ناامیدی تغذیه می‌کند. حکومت اسلامی عامدانه و همانند سلاحی روانی نه تنها با ایجاد شرایط وحشتناک زیستی، ترس و استرس روزانه و در خودفرورفتن را گسترش می‌دهد، بلکه هرگونه شادی، نشاط و زندگی را تهدیدی علیه موجودیت تاریک و ارتجاعی خود می‌پندارد. مراسم‌های عروسی را با بهانه این که در آنها حجاب اسلامی و فاصله زن و مرد رعایت نشده است به هم می‌ریزد. از برگزاری کنسرت‌های موسیقی جلوگیری می‌کند. جوانانی را که به مناسبت‌های مختلف دور هم جمع میشوند و به رقص و شادی می‌پردازند، مورد ضرب و شتم و اهانت قرار می‌دهد. در واقع اگر جهان به کام رژیم اسلامی ایران بود، این جامعه یک سر سیاه پوش و در تمام طول سال و هر روز به بهانه ای عزادار می‌بود. اما اکثریت مردم این جامعه در مقابل رژیم اسلامی سر تسلیم فرود نیاورده‌اند. علیرغم تهدیدها و حتی بگیر و ببندها در این رابطه، مردم در سراسر ایران این مخالفت‌ها را نادیده می‌گیرند. موسیقی و هنر و آواز و رقص و شادی، از پنهانگاه‌ها بیرون آمده‌اند. در مقابل فرهنگ ارتجاعی حاکم، فرهنگ مقاومت پیشرو سر برآورده است. جمهوری اسلامی در مقابله با حذف شادی و نشاط و شور زندگی مردم سرش به سنگ خورده و تلاش‌هایش در این زمینه مذبوحانه و بدون ثمر است. این شور زندگی همان نیرویی است که رژیم را هراسان می‌کند. ویدئویی از رقص و شادی یک پیرمرد اهل رشت به نام «صادق سپیدرودی» معروف به «عمو صادق» با یک ترانه فولکلور گیلکی در اینستاگرام منتشر شد که با استقبال زیادی از سوی کاربران شبکه‌های اجتماعی روبرو گردید. به دنبال انتشار

این ویدئو، نیروهای انتظامی وی و دوازده نفر از فعالان فرهنگی رشت را دستگیر کردند. همچنین برای چهار واحد صنفی برپاکننده رقص و آواز خوانی نیز، توسط اداره نظارت بر اماکن عمومی، اخطاریه پلمب صادر شد. این اقدام سرکوبگرانه حاکمیت، با موجی از واکنش‌های جوانان کشور روبرو شد. در چند روز اخیر هشتگ «عمو صادق» ترند جهانی شد. همراه با آن حجم ویدئوهای حمایتی از وی با تقلید از موسیقی و رقص او آن چنان گسترده بود که حاکمیت را مجبور کرد عمو صادق را آزاد کند و حتی دستگیری او را تکذیب نماید. این واکنش‌های مردمی نشان داد که مقاومت مدنی تا چه حد در جامعه گسترده شده است. این مقاومت مدنی گسترده بر متن اعتراضات مطالباتی جنبش‌های کارگری، بازنشستگان، پرستاران و... نشان می‌دهد که جامعه چگونه خود را سازمان می‌دهد، مقاومت و مبارزه خود را گسترده ترمی کند و خود را برای در هم شکستن قدرت فاشیستی حاکمیت آماده می‌سازد.

**دوم -** روز دهم دسامبر در اسلو پایتخت نروژ مراسم اهدای جایزه صلح نوبل به نرگس محمدی انجام گرفت. پس از آن مراسم اهدای جایزه ساخاروف به ژینا (مهسا) امینی و جنبش «زن، زندگی، آزادی»، در پارلمان اروپا در بروکسل برگزار شد. اهدای این جوایز علیرغم انگیزه‌ها و اهداف شناخته شده پشت آنها، همچنین نحوه سازمان دادن مراسم اهدای آن و ترکیب جهت‌دار دعوت‌شدگان و حواشی دیگر پیرامون آن، از لحاظ عینی در واقع پژواک صدای زنان ایران در سطح جهان بود.

امروز مسئله زنان در ایران، و مبارزه آنها علیه تحجر دینی و آپارتاید جنسی و برابر حقوقی زنان با مردان در همه عرصه‌ها، به بزرگترین چالش جمهوری اسلامی تبدیل شده است. این جنبش سیاسی زنان شجاع ایران، رژیم

جمهوری را به آستانه سقوط کشانده است. بر چنین متنی علیرغم آن که جایزه صلح نوبل بسیار سیاسی و اصولاً بسیار محافظه کارانه است، اما اعطای این جایزه در این شرایط زمانی و سیاسی، صدای جنبش «زن، زندگی، آزادی» را در سطح جهانی با قدرتی بسیار بالا و گسترده پژواک می‌دهد.

**سوم -** در این هفته لایحه بودجه دولت رئیس‌جمهوری نمایندگان مجلس شورای اسلامی، رد شد. دلایل ارائه شده از سوی مخالفان لایحه بودجه نشان دهنده ترس نمایندگان رژیم از نارضایتی گسترده مردم است. اصلی‌ترین محور مخالفت نمایندگان که رای منفی داده‌اند، عدم توجه دولت به همسان سازی حقوق بازنشستگان و فرار از تأمین بودجه یک میلیارد دلاری برای افزایش ۵۰ درصدی مالیات ستانی از مردم و به ویژه رشد ۵۵ درصدی مالیات بر خدمات و کالاهای، عدم تخصیص بودجه برای تأمین کمبود معلمان ۲۲ هزار کلاس فاقد معلم و کسری بودجه ۳۰۰ هزار میلیارد تومانی است. توجه کنیم که کسری بودجه سال آینده ۶ میلیارد دلار است در کشوری که یک رقم اختلاس جای دبش ۳ میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلار است. از این جا می‌توان دریافت که با چه حکومت تا مغز استخوان فاسد و ناکارآمدی روبرو هستیم که با سازماندهی دزدی‌های کلان و چپاول اموال عمومی، بودجه

ای تدوین کرده است که اساس آن بر دوشیدن مردمی است که دیگر امکان دوشیده شدن هم ندارند. این بودجه به شدت انقباضی است و دولت نمی‌خواهد پولی خرج کند. در ایران سیستم مالیاتگیری وجود ندارد. این که بودجه اساساً از طریق مالیات می‌خواهد تأمین شود، نشان می‌دهد که دولت نه تنها برنامه‌ای برای سفره‌های خالی اکثریت عظیم جامعه ندارد، بلکه فشار اقتصاد به بن بست رسیده‌شان را هر چه بیشتر بر شانه‌های مردمی که دیگر توان زنده ماندن را هم ندارند، می‌اندازد. بویژه اقتصادی که چهاردهه در مرحله رکود تورمی قرار دارد. در اقتصاد تورمی، پائینی‌ها به صورت مستمر چپاول می‌شوند. این وضعیت فاصله‌های طبقاتی را به شدت تشدید می‌کند و زمینه را برای رویارویی‌های بزرگی میان مردم و حاکمیت ایجاد خواهد کرد.

**چهارم -** ۱۸ دسامبر روز جهانی مهاجران است. در آستانه این روز جهانی، قایقی حامل دهها مهاجر که قصد داشتند خود را به اروپا برسانند، در سواحل لیبی واژگون شد و بیش از ۶۰ نفر که شماری از آنها کودک بودند، جان باختند. به گزارش سازمان بین‌المللی مهاجرت سازمان ملل، تنها در سال جاری بیش از ۲۲۵۰۰ نفر در دریای مدیترانه جان خود را از دست داده‌اند. این گزارش ادامه می‌دهد که: «دریای مدیترانه مرکزی همچنان یکی از خطرناکترین مسیرهای مهاجرت در جهان است». اتحادیه اروپا بر طبق رسمی تصمیم گرفته است که عملیات نجات پناهجویان را محدود کند. سیاستمداران خدمتگزار صاحبان سرمایه در اروپای مرکزی با غارت ثروت‌های طبیعی و استثمار شدید نیروی انسانی، تحمیل استبداد، ایجاد جنگ و تخریب محیط زیست و دادن میلیاردها دلار به کشورهای که در مسیر عبور پناهجویان به سوی اروپا قرار

دارند، نقش مستقیمی در کشتار پناهندگان دارند. آنها مرزها را می‌بندند، بودجه عملیات نجات دریایی را قطع می‌کنند، با این استدلال که این خدمات مشوق مهاجران تازه خواهد بود. در ضد انسانی و جنایتکارانه بودن این استدلال و این سیاست تردیدی نیست. ناوگان‌های دریایی و هوایی اروپا مجهز به پیشرفته‌ترین تکنولوژی این عصر، قادر به کنترل و جداسازی هستند. آنها قادرند که هر قایقی را از نقطه حرکت تا رسیدن به مقصد دقیقاً رصد کنند و قبل از آنکه این قایق‌ها در خطر غرق شدن قرار بگیرند، به نجات آن‌ها بشتابند. اما آن‌ها آگاهانه این توانایی را برای نجات جان پناهجویان به کار نمی‌گیرند. نه تنها این توانایی را برای نجات پناهجویان به کار نمی‌گیرند، بلکه از آن برای شناسایی قایق‌های

پناهجویان، مخابره آن به شبه نظامیان حاکم در لیبی بهره می‌جویند. از این رو غرق شدن پناهجویان یا توقف این قایق‌ها و انتقال پناهجویان به لیبی و استفاده از آنها به عنوان برده نیز از جمله رفتارهای غیر انسانی سیاستمداران اروپایی است. عملیاتی که توسط اتحادیه اروپا و در چهارچوب برنامه فرونتکس اجرایی می‌شود و در سال گذشته توسط روزنامه نگاران افشا شد و توجه بسیاری را به خود جلب کرد. آن چه که امروز دولت‌های عضو اتحادیه اروپا در مورد پناهجویان انجام می‌دهند، مصداق بارز جنایت علیه بشریت است.

**پنجم -** جنایات ارتش اسرائیل در غزه همچنان ادامه دارد. افکار عمومی جهانی به شکل آشکاری علیه دولت اسرائیل چرخیده است. دولت نتانیاهو می‌خواهد توافقات بین‌المللی مبنی بر تشکیل دو کشور در حوازم را عملاً منتفی سازد. استعمارگری دولت اسرائیل، از نوع استعمارگری خشن و ویرانگر است. این نوع

استعمارگری می‌خواهد زمین‌ها را پاک سازی کند، مردم بومی (در اینجا فلسطینیان) را قتل عام و یا آواره کند و خودی‌ها را به جای آنها اسکان دهد. قبلاً جنایات اروپائیان که سرخپوستان آمریکا را نابود کردند، زمین‌هاشان را تصاحب کردند و خود را مالک ابدی آن منطقه اعلام کردند را تجربه کرده ایم. همین وضعیت را انگلیسی‌ها در استرالیا ایجاد کردند. همین سیاست را دولت نژادپرست اسرائیل در فلسطین به پیش می‌برد. باید این سیاست جنایتکارانه را مداوماً افشاء کرد. سیاستی که جهان را به میدان کشتار انسان‌های بیگناه تبدیل کرده است. سیاستی که به واسطه مذهب، ناسیونالیسم، سود، استعمار و استثمار، انسان‌ها را علیه هم بسیج کرده و به جان هم می‌اندازد.

هم زمان نیز باید تاکید کرد که راه در هم شکستن این سیاست جنایتکارانه بسیج مردم در فلسطین و اسرائیل و بسیج افکار عمومی جهان است و نه تن دادن به جنگ و درگیری‌های مسلحانه‌ای که در آن قدرت برتر با اسرائیل و زرادخانه جهنمی اش

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

پیروز باد انقلاب مردم ایران زنده باد آزادی، دموکراسی و سوسیالیسم

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

حزب کمونیست ایران

دوشنبه ۲۷ آذر ۱۴۰۲ برابر با ۱۸ دسامبر ۲۰۲۳



## تصویب "قرارداد اجتماعی در شمال شرق سوریه" گامی به پیش

در حالیکه حملات ضد انسانی زمینی و هوایی دولت ترکیه و نیز تلاش های جمهوری اسلامی ایران و حکومت سوریه جهت نابودی اداره مشترک خودمديريتي در «روژاوا» ادامه دارد یک قرارداد اجتماعی برای اداره امور مناطق شمال شرق سوریه تصویب گردید. مجمع عمومی اداره مشترک خودمديريتي روژاوا روز سه شنبه ۲۸ اذر در نودمین جلسه خود یک قرارداد اجتماعی را تصویب کرد که توسط «کمیته گسترده سازمان قراردادی» ارائه شده بود. در این نشست که در سالن اجتماعات ساختمان اداره خودمديريتي شهر رقه برگزار شد، هیئت رئیسه مجمع عمومی اداره خودمديريتي و نمایندگان مجالس قانونگذاری ۷ منطقه حضور داشتند.

معاون ریاست مشترک مجمع عمومی خودمديريتي، یاسر السلیمان، ۱۳۴ ماده قرارداد اجتماعی را به یک خواند و توسط شرکت کنندگان مورد ارزیابی قرار گرفت.

در پایان جلسه مجمع عمومی قرارداد اجتماعی را تصویب کرد. قرارداد اجتماعی از تاریخ انتشار به اجرا در خواهد آمد.

این قرارداد یک دیباچه دارد که در خطوط نخست آن چنین می گوید:

«ما دختران و پسران شمال شرق سوریه به خاطر متحقق کردن آرمانهای شهیدان مان و خواسته های خلقهایمان برای زندگی کردن در چهارچوب ارزشهای انسانی و برای حفظ کرامت انسان (اما کورد، عرب، آشوری، سوریانی، ترکمن، ارمنی، چرکسی، چیچن، مسلمان، مسیحی، ایزدی) با هشیاری کامل با هم جمع شده ایم تا در شمال شرق سوریه، یک نظام دموکراتیک ایجاد نماییم.»

در تعریف نظام دموکراتیک چنین گفته شده:

«سیستم خودمديريتي دموکراتیک

## اعتصاب و اعتراض، اشکال تداوم انقلاب (زن ، زندگی ، آزادی) در شرایط جدید

پوشش اجباری ، مقاومت در مقابل دست اندازی ماموران رژیم به حریم خصوصی مردم ، بر متن گسترش نارضایتی عمومی و اعتراضات کارگری، تخریب محیط زیست، تعطیل شدن پی در پی مراکز تولیدی، فساد گسترده، محدود شدن دایره قدرت و ریزش چشمگیر سطوح بالای رژیم، محدود شدن قدرت مانور در شکاف بین ابر قدرتها، کاهش چشمگیر نفوذ و قدرت رژیم در منطقه ، بویژه به دنبال جنگ در غزه ، عوامل فوق همگی دست بدست هم داده اند و جمهوری اسلامی را در دشوارترین شرایط حیات خود قرار داده اند.

رابطه بین هیئت حاکمه و مردم به نقطه بدون بازگشتی رسیده است. اکنون زندگی اکثریت مردم

فلاکت بارتر، فقر و بیکاری و آسیب های اجتماعی گسترده تر شده اند. مطالبات طبقه کارگر و اقشار معترض به دلیل رفتار رژیم گام به گام سیاسی می شوند و کل رژیم را به چالش می کشند. به این معنی بحران سیاسی رژیم در این دوره مستقیماً به وضع اقتصادی و معیشت مردم مربوط است. فلاکت اقتصادی، فساد مالی و حکومتی، سطح نازل خدمات اجتماعی، بیکاری، تار بودن افق زندگی جوانان، فقر بیش از حد و مهاجرت به خارج از کشور در همه جا مضمون بحران و خواسته های مردم معترض را تشکیل می دهند. به تبع آن توده شرکت کننده در این خیزشها را محروم ترین بخش این جامعه، بیکاران، کارگران، معلمان، پرستاران، حقوق بگیران کم درآمد و مردم حاشیه شهرها تشکیل می دهند.

حرکت های اعتراضی جاری که هر روز از گوشه و کنار ایران سر بر می آورند، در محتوای واقعی خود ادامه جنبش انقلابی « زن ، زندگی ، آزادی» در عرصه «زندگی» هستند. در مقابل موج مبارزات کارگری و توده ای برای تامین یک « زندگی» انسانی حربه های گذشته رژیم کارکردهای خود را از دست داده اند. دیگر نمیتوان پتانسیل انفجاری موجود در جامعه و جنبشهای اعتراضی و مطالباتی را با وعده و وعیدهای انتخاباتی و در بستر جدالهای باند های رژیم خالی کرد. استقرار یگان ویژه در برابر مردمی گرسنه که برای تامین حداقل بخور و نمیر زندگیشان فریاد اعتراض سر داده اند، هم کارائی نخواهد داشت.

تداوم انقلاب ژینا به صورت مقاومت در مقابل

موج جدیدی از اعتصاب و اعتراضات کارگری و توده ای در نقاط مختلف ایران آغاز شده است. در حالیکه کارگران گروه ملی صنعتی فولاد اهواز سومین روز اعتصاب خود را آغاز کرده اند، نیروهای یگان ویژه در محل تجمع کارگران مستقر شده اند. این در حالی است که تجمع های اعتراضی کارکنان رسمی صنعت نفت و گاز و کارکنان شرکت نفت فلات قاره سیری ، اعتراضات در شرکت نفت فلات قاره بهرگان و شرکت نفت فلات قاره منطقه عملیاتی لاوان نیز همچنان ادامه دارد. پرستاران کرمانشاه مقابل استانداری این شهر تجمع اعتراضی برگزار کردند.

راهپیمایی و تجمع بازنشستگان در شهرهای تهران، اهواز، اصفهان کرمانشاه، شوش و چند شهر دیگر از روز یکشنبه سوم دیماه از سر گرفته شدند. بازنشستگان اعلام کرده اند: « تا تحقق خواسته های خود در هر شرایطی خیابان جولانگاه آنان خواهد بود و ذره ای عقب نشینی نخواهند کرد.» خبر می رسد که بازاریان نیز در چند شهر ایران از جمله تهران، اصفهان، شیراز، همدان، ملایر، تبریز و اردبیل در اعتراض به سیاستهای مالیاتی دولت راهپیمایی اعتراضی برگزار کرده اند.

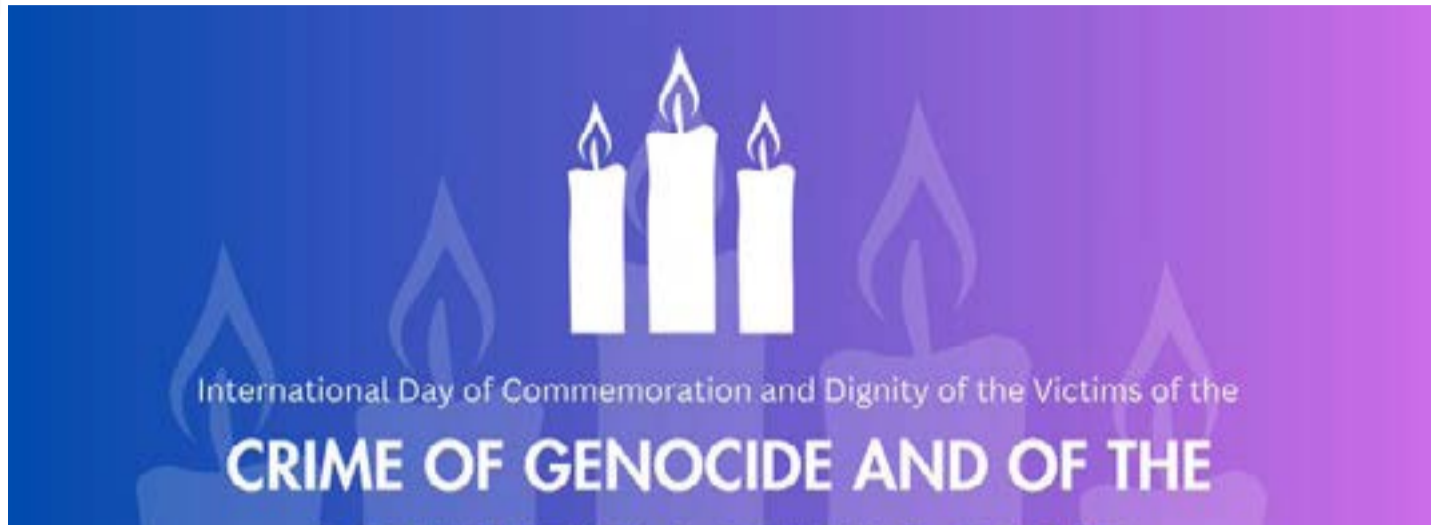
لازم است جنبش ها و افکار پیشرو جهانی در شرایط وجود جنگ اکراین و تجاوز ارتش اسرائیل به غزه "اداره مشترک خودمديريتي" در شمال شرق سوریه، به عنوان یک دستاورد بشری، را فراموش نکرده و همچون گذشته حمایت همه جانبه خود از آنها ادامه دهند. این حمایت، این روز ها که ارتش ترکیه و نیروهای نیابتی آن، با چراغ سبز دول امپریالیستی آمریکا و روسیه و توطئه های دول مرتجع منطقه قصد نابودی این تجربه الهامبخش را دارند، از هر زمان دیگری ضروری تر است.

\*\*\*

\*\*\*



## نسل کشی و فساد اقتصادی بزرگ دو عارضه سیستم سرمایه داری



روز شنبه نهم دسامبر ۲۰۲۳، برابر با ۱۸ آذر دو مناسبت در تقویم سازمان ملل ثبت شده است: روز جهانی برای جلوگیری از نسل کشی و ضدیت با فساد.

مناسبت نخست سندی است که توسط کنوانسیون نسل کشی سازمان ملل در جهت جلوگیری از نسل کشی در آینده امضا شد. این سند در نهم دسامبر ۱۹۴۸، یعنی سه سال پس جنگ جهانی دوم و افشای وسیع نسل کشی یهودیان بوسیله نازی های آلمان تایید شد. از آنجا که دولت امپریالیستی بریتانیا، از دهه ها پیش تصمیم گرفته بود کشوری به نام اسرائیل را در خاک فلسطین تاسیس کند تبلیغات گسترده ای را در مورد نسل کشی یهودی ها، و ایجاد همدردی وسیعی به نفع آنان را جلب نمود.

سران نازی بعد از کنفرانس «وانزه» تصمیم گرفتند که «راه حل نهایی برای مساله یهود» اجرا شود که منظور از آن کشتار سیستماتیک و جمعی یا در واقع نسل کشی یهودیان بود. ماجرای هولوکاست به کل فرایند کشتار یهودیان گفته می شود که در فاصله سال های ۱۹۳۹ تا ۱۹۴۵ اتفاق افتاد. نوشته اند در جریان هولوکاست حدود ۶ میلیون یهودی در سراسر اروپا با هدف محو جمعیت آنها از روی زمین، قتل عام شدند. گفته می شود از هر ۱۰ یهودی در اروپا ۷ نفر کشته شدند.

نازی ها در آن دوره همچنین میلیون ها انسان دیگر غیر یهودی را که از نظر آنها نژاد غیر برتر بودند، قتل عام یا شکنجه کردند؛

از جمله قتل عام نیم میلیون کولی، کشتار ۲۵۰ هزار فرد معلول ذهنی و جسمی، کشتار تعداد نامشخصی از کمونیست ها و مخالفین سیاسی، قتل عام اسلاوها در روسیه و لهستان و یوگسلاوی، اخته کردن افراد ناشنوا، و زندانی کردن همجنسگرایان.

کشور اسرائیل، پس از پایان قیمومت امپریالیسم بریتانیا بر خاک فلسطین در سال ۱۹۴۷ توسط سازمان ملل تشکیل شد و تروریست های یهودی سازمان یافته از سال بعد شروع به کشتار طبق برنامه فلسطینی ها و راندن ۷۵۰ هزار نفر از آنان کردند. از آن زمان بعد تا کنون که دولت اسرائیل بی محابا مشغول نسل کشی در غزه می باشد، کشتن، زندانی کردن کودکان و بزرگسالان فلسطینی و تحمیل انواع محرومیت بر آنها را فعالانه ادامه داده است. نسل کشی یهودیان توسط حزب و دولت نازی، بدلیل اقتصادی، ایدئولوژیک، سیاسی و برای جواب دادن به منافع سرمایه داران در دوره بحرانی سرمایه داری دهه سی میلادی انجام گرفت. اینک دولت نژاد پرست اسرائیل در دوره بحران ساختاری سرمایه به همان دلایل به نسل کشی در غزه مشغول می باشد.

مناسبت دوم در تقویم سازمان ملل مبارزه با فساد می باشد. سیستم سرمایه داری بدون درصدی از فساد قادر به ادامه حیات نیست، اما فساد گسترده هم برای کارکرد آن مناسب نیست. به همین جهت مبارزه برای کنترل فساد وسیع در دستور حکومت های توسعه یافته سرمایه داری و نهاد های آن

نظیر سازمان شفافیت بین الملل قرار گرفته و میگیرد. فساد در بعضی کشورها زیاد و در برخی کمتر است. فساد در جمهوری اسلامی نهادینه و ساختاری می باشد. فساد از بالا تا پایین نهاد های تحت هدایت خامنه ای، قوای سه گانه، نیروهای اطلاعاتی، نظامی و انتظامی، بانکها، سازمان خصوصی سازی، مراکز آموزشی، بعضی حرفه ها، نظیر حرفه پزشکی و نظایر آنها را در هم تنیده است. برای نمونه بیشترین فساد در زمان کابینه احمدی نژاد انجام گرفته است. به قول سخنگوی کابینه روحانی در دوره ریاست جمهوری شخص یاد شده ۱۷۷ میلیارد دلار حیف و میل گردید. اخیراً و در دوره انتخابات مجلس که قرار است در دهم اسفند ۱۴۰۲ انجام گیرد مقامات به جان هم افتاده اند. این روز ها فساد یک وزیر و خویشاوندان یک فرمانده سپاه در عرصه واردات و بسته بندی جای توسط یکی از مجلس نشینان افشا شده است. اشخاصی معین از طریق شرکتی به نام «گروه کشت و صنعت دیش» ۳ میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلار ارز ترجیحی ظاهراً برای واردات ماشین آلات و جای گرفته، اما چیزی وارد کشور نکرده است. در مقیاسی کوچکتر روز ۱۷ آذر سندیکای کارگران شرکت واحد طی یک بیانیه فساد را در شرکت

فساد یک امر سیاسی است و بیشتر فشار و زیانهایش متوجه کارگران، زحمتکشان، زنان، کودکان و اقشار محروم از قدرت و ثروت می باشد. میزان کوه آسای فساد در کشور ناشی از حکومت اسلامی سرمایه است. بنابراین غلبه بر این مصیبت تنها از طریق برانداختن این رژیم و استقرار حکومت کارگران و زحمتکشان ممکن است.

\*\*\*

### پیام حزب کمونیست ایران به مناسبت ۱۶ آذر روز دانشجو

و به قطبی شدن این جنبش منتهی گردید. شکست جنبش سبز شکست آخرین تلاش بازوهای اصلاح طلبان رانده شده از حکومت در جنبش دانشجویی بود.

بعد از قطع امید اکثریت مردم ایران از مکانیسم های رای و انتخابات برای تغییر وضع موجود و گذر از فریبکاریهای اصلاح طلبان حکومتی، دانشجویان همراه و متحد جنبش کارگری، معلمان، ملیتهای تحت ستم، زنان و روشنفکران، نقش پیشروی در ادامه روند کلی مبارزه در ایران داشته اند. جنبش دانشجویی در خیزش های دی ماه ۹۶ و آبان ۹۸ نقش کاملاً انقلابی و آگاهگرانه ای در دفاع از خواسته ها و مطالبات توده های کارگر و زحمتکش داشتند. شعار «اصلاح طلب، اصولگرا، دیگر تمومه ماجرا» از دل مبارزات جنبش دانشجویی بیرون آمد. دانشجویان از همراهان ثابت قدم جنبش انقلابی «زن زندگی آزادی» بودند. و در این راه متحمل بیشتر ضربات و سرکوب وحشیانه شدند.

در شرایط کنونی که از گوشه و کنار این جامعه، فریاد اعتراض و مبارزه بلند شده است، در شرایطی که ابعاد مبارزات کارگران رو به گسترش است، در شرایطی که زنان آزاده این جامعه در عرصه های مختلف در مقابل ارتجاع اسلامی سینه سپر کرده اند، معلمان، بازنشستگان، کارگران و محرومان و ستمدیده گان به دادخواهی برخاسته اند، در چنین شرایطی بطور طبیعی باید انتظار داشت که جنبش دانشجویی نیز، که از تجربه و سنتهای مبارزاتی ارزنده ای برخوردار است، خود را با فضای عمومی جامعه و مطالبات و خواسته های حق طلبانه محرومان و ستمدیدگان هماهنگ سازد.

ضمن گرامیداشت یاد و خاطره دانشجویان جانباخته در ۱۶ آذر ۱۳۳۲، به رزمندگی و فداکاری تمام فعالین و مبارزین انقلابی و کمونیست جنبش دانشجویی ایران درود می فرستیم و زحمات و جانبازیهای آنان را ارج گذاشته و گرامی می داریم.

حزب کمونیست ایران

۱۶ آذر ۱۴۰۲

\*\*\*

پنجشنبه ۱۶ آذر روز دانشجو است. امروز درست ۷۰ سال از روزی که نیروهای گارد شاهنشاهی به دانشگاه تهران ریختند تا تظاهرات مسالمت آمیز دانشجویان را بر علیه کودتای ارتجاعی محمدرضا شاه و سازمانهای جاسوسی غربی سرکوب کنند، می گذرد. تهاجم مسلحانه مزدوران تا دندان مسلح رژیم شاه در مقابل دانشجویان مبارزی که تنها سلاحشان مشت های گره کرده و گلوهای پراز فریاد آزادی بود، در دانشکده فنی دانشگاه تهران به جانباختن سه دانشجو به نامهای مصطفی بزرگنیا، احمد قندچی و شریعت رضوی منجر گردید. از آن روز تا کنون ۱۶ آذر به نماد جنبش دانشجویی ایران تبدیل شده است.

تاریخ این سالهای سپری شده، در عین حال تاریخ افت و خیزهای جنبش دانشجویی است. در تمام دوران حاکمیت رژیم پادشاهی و اسلامی، جز در مقطع کوتاهی که اصلاح طلبان حکومتی در راس جنبش دانشجویی قرار گرفتند، دانشجویان چپ و سوسیالیست همواره موتور محرک اعتراضات و مبارزات انقلابی دانشجویان و انعکاس خواسته های مبارزاتی و رادیکال درون جامعه بوده اند. در تمام طول دهه های ۴۰ و ۵۰ شمسی، جنبش دانشجویی پستری اصلی شکل گیری جریانات رادیکال چپ هوادار سوسیالیسم بود. بسیاری از فعالین و رهبران احزاب و سازمانهای سیاسی مبارز، رادیکال و کمونیست از دانشگاهها فارغ التحصیل و طی دورانی از فعالین جنبش دانشجویی بوده اند. مقاومت این زندانیان سیاسی و تسلیم ناپذیر در حکومت های سلطنتی و اسلامی از میان دانشجویان برخاسته اند.

یک سال از برقراری حاکمیت رژیم اسلامی نگذشته بود که تهاجم وحشیانه رژیم تازه به قدرت رسیده و اوباش حزب الهی به دانشگاه ها آغاز شد. صدها استاد پیشرو مبارز، هزاران دانشجو اخراج شدند. دانشگاه به مدت دو سال به تعطیلی کشیده شد، تا با طرح ارتجاعی «وحدت حوزه و دانشگاه» دوباره بازسازی شوند. پس از بازگشایی برای سالها دانشگاهها به میدان تاخت و تاز بازوهای دانشجویی باند های رژیم و بویژه اصلاح طلبان حکومتی تبدیل گردید. مقاومت و سرکوب خونین این حرکت به باره شده نوهم بخشهایی از جنبش دانشجویی منجر گشته

سایت های حزبی  
سایت کومه له

www.komalah.org

سایت حزب کمونیست ایران

www.cpiran.net

یاد جان باختگان کومه له و حزب کمونیست ایران

www.yadihawrean.com

سر دبیر: ابراهیم علیزاده

ادیتور: جمشید عبدی